

هرکس را می خواهند ترور شخصیت کنند می گویند جزو ناهلان است؛ متأسفانه ناهلان در بعضی از امور قرار گرفته اند! امتیاز امام این بود که احترام همه را حفظ می کرد.

ترور و حصر از مشکلات انقلاب بود؛



به گزارش اسپادانا خبر، آیت ا [صانعی در مصاحبه با جماران می گوید: اولین عامل مشکلات انقلاب ترور، شهادت و یا فوت کسانی بود که از نظر فکری و تعلیم فلسفه و فقه با امام بودند که اکثر آنها فوت کرده اند و یا شهید شده اند. زندگی شهید مطهری که حاصل عمر امام بود یا مرحوم شیخ فضل ا [محلاتی، آقای رجایی، شهید بهشتی و دیگران را با ترور خاتمه دادند؛ عده دیگری هم از دنیا رفته اند و کمتر کسی که امام را خوب درک کرده باشد مانده است. ترور و حصر کردن از اشتباهاتی است که تحقق پیدا کرده است.

عامل دومی که مسائلی را برای انقلاب به وجود آورد که من، شما و هیچ کدام از علاقمندان امام نمی خواهیم این است که به امام نسبت های دروغ داده می شود. دروغ های روشنی در زندگی و مبانی به امام نسبت داده می شود. عامل دیگر این است که به وصیت امام عمل نشده است. البته منظورم آن چند صفحه وصیتنامه نیست. امام می فرمود ناهلان را بر سر کار نیاورید. اهل را امروز می گویند ناهل است و امام هم فرموده امروز را ببینید. این تعبیر امام که در فرمان هشت ماده ای فرمودند «میزان، حال فعلی اشخاص است» مربوط به گنهکاران است؛ اما هرکس را می خواهند ترور شخصیت کنند می گویند جزو ناهلان است و متأسفانه ناهلان در بعضی از امور قرار گرفته اند که کار را مشکل می کند. ناهل قصوری و تقصیری داریم. من یک وقت آدم ناهل است چون نمی فهمد و یک وقت ناهل است چون می فهمد که نمی فهمد ولی می خواهد دشمنی کند. من بعد از آنکه از دادستانی کنار رفتم نامه ای به امام دادم که این پول ها را گرفته ام و این طور خرج شده است. گفتم مقداری را به جناب آقای مهندس موسوی قرض داده ام و یک مقدار هم به آقای دیگری داده ام؛ قرض خواسته و به او داده ام. امام در جواب نامه نوشت آنچه را که عمل کرده ای درست بوده است اما پولی که به فلانی داده اید را از او بگیرید. پولی که به جناب آقای مهندس داده شده بود تقریباً پنج برابر آن پول بود اما نسبت به مهندس موسوی نوشت آنچه عمل کرده اید درست است. نامه آن الان پیش آقای کروی احتمالاً موجود می باشد. حالا این طور آدم ها در تصمیم گیری ها هستند و کاری نمی شود کرد. من نمی توانم اسم ببرم و نمی خواهم اسم ببرم اما ناهلان هستند؛ ناهلانی که سربازان جنگی، فرزندان انقلاب، که به جبهه می رفتند را وقتی بر می گشتند می گفتند تحت تأثیر شیطان قرار گرفته اید و کسانی که اصلاً بوی از انقلاب به مشامشان نخورده است حالا در بعضی از امور هستند. این عامل بدبختی است.

نظارت استصوابی فعلی را قبول ندارم

کاری کرده اند که هیچ کس از کسانی که واقعا امام را می شناختند و واقعا طرفدار امام بوده اند را باقی نگذاشته اند که بتواند کوچکترین خدمتی داشته باشد؛ یعنی ترور شخصیت شده و ناهل حسابش کردند و ناهلان را اهل حساب کردند. نتیجه همین شده است که الان داریم می بینیم چه بلایی سر این مملکت درآمد. بر خانواده های شهدا و جوانان این مملکت چه گذشت؟ همین طور حرف می زنند و بعد توجیه می کنند. حرف را اول باید فکر کنی و بعد بزنی؛ نه اینکه بعد از حرف زدن توجیه کنی.

آیت ا [صانعی ادامه داده: اما وحدتی که امام می فرمود الان نیست. امام می خواست عملاً هم وحدت باشد. ما زبانی می

گویم «همه با هم» متحد شده ایم. با کسی که با وحدت مخالفت می کند چطور باید با او متحد شوم؟ من می خواهم با فلان آقا متحد باشم و آن آقا حاضر نیست جواب سلام من را هم بدهد. آیا متحد می شویم؟ من سلام می کنم اقلا جواب سلام را بدهند. اتحاد مورد نظر امام این بود که عملا با هم متحد شویم. شیعه و سنی عملا با هم کنار بیایند، نه اینکه فقط اسمش را ببریم ولی در مقام عمل خلافت را اجرا کنیم. من نمی خواهم این را باز کنم. چون زمینه باز کردن آن نیست. ان شاء ا[روز قیامت، چون غیر آن معلوم نیست چه زمانی باشد؛ مگر زمان ولی عصر(عج). شاید آن وقت بتوانیم چیزی بگوییم؛ ولی الآن نمی توانیم. چطور متحد شویم؟ چطور متحد شویم؟ اتحاد به این است که شما هم به حرف من گوش دهید. شما هم یک ذره به من آزادی بدهید و بگذارید حرفم را بزنم. اما حرفم را می زنم و بعدش چطور شود نمی دانم. اتحادی که امام می فرمود این است که هرکسی در حد خودش باشد.. اما حرفم را می زنم و بعدش چطور شود نمی دانم. اتحادی که امام می فرمود این نیست. اتحادی که امام می فرمود این است که هرکسی در حد خودش باشد.

راه کمک به حاکمیت و دولت این است که از افکار دیگران هم استفاده کند. دولتی که می خواهد مملکت را اداره کند، باید از همه افکار بتواند استفاده کند از افکار و نظریات افرادی مثل مهندس موسوی که هشت سال جنگ را اداره کرده می توان استفاده کرد چرا که در صداقت و خیرخواهی او برای اسلام و ملت هیچ شک نیست.

آقای کروی از 14 سالگی در انقلاب بوده است. کسی که این طور است چرا از او استفاده نشود؟ چرا افراد را نفرستید از تجربیات او استفاده کنند؟

چطور متحد شویم؟ اتحاد به این است که شما هم به حرف من گوش دهید. شما هم یک ذره به من آزادی بدهید و بگذارید حرفم را بزنم

امثال صانعی مطرود شما هستند؛ اما حرف های فقهی اش را بگیرید و به نام خودتان بزنید؛ بنده بسیاری از احکام حقوقی که جزء چالشهای امروزه قانونگذاری است را حدود 20 سال جلوتر بحث کرده ام و بر طبق مبانی راهکارهای فقهی مستند به فقه جواهری ارائه داده ام. بنده هیچ توقعی ندارم که به اسم بنده ثبت شود بلکه هدف بنده این بوده که بتوانم در قوانین حقوقی کشور برای قوانین چالش برانگیز و غیرقابل اجرا راهکارهایی ارائه دهم تا نگویند احکام اسلام قابل پیاده شدن نیست؛ برخی دوستان گفتند یک آقای گفته یکی از افراد از نظریات منحصر به فردش برابری دین زن و مرد است، گفتم آقای محترمی به سبب این فتوا بیانیه بر علیه من داد و گفت بدعت است و صانعی بدعت گذار اما حالا چطور اگر آقای دیگری بگوید چون قدرت دارد بدعت نیست؟! ولی خوشحالم که بتوان از اسلام به هر طریقی دفاع شود. نه اینکه مدام به این جمله امام تمسک کنید که «ملاک حال فعلی افراد است.» من از مسائل اقتصادی دولت سر در نمی آورم ولی این را سر در می آورم که باید از تجربه دیگران استفاده کرد و «شاورهم فی الامر». این متن قرآن است. در مورد رسول الله(ص) هم دارد که مشورت کن «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ».

در صداقت و خیرخواهی میرحسین موسوی برای اسلام و ملت هیچ شک نیست

کسانی که در دوران انقلاب و جنگ مسئولیت داشتند صاحب نظر و فکر هستند. چه شده که در هشت سال جنگ و قبل از جنگ دزدی و اختلاس و رشوه نبوده و حالا پرونده روی پرونده هست؟

آیت ا[صانعی می گوید: امتیاز امام این بود که احترام همه را حفظ می کرد و شخصیت همه را نگه می داشت؛ هیچ گاه حاضر نبود شخصیت کسی بی جهت ترور شود. البته انسان معصوم نیست. ولی ریشه حرف ها این است که سیاست داخلی و خارجی و وحدت ما خیلی قوی نیست. ایرانی ها در فشار هستند و غیر ایرانی ها هم از شیطان می خواهند که چنین روزی را داشته باشند و همه چیز را نسبت به امام می گویند. یکی دو تا نیست و این رسانه های همسایه که من نگاه می کنم از این حرف ها پر است ولی به جایی نمی رسد و ان شاء ا[زود تمام می شود. یعنی ملت می فهمند که او چطور بود اما خیلی توان می خواهد. همین حرفی که آنها زده اند را یک نفر باید بگوید که امام برای آخوندها گفته و چه ربطی به مردم و دیگران دارد؟! چه ربطی به افتراء و تهمتی دارد که موجب حد و تعزیر می شود؟! این ربطی به آن ندارد.

این نظارت استصوابی که الان هست را من قبول ندارم. یعنی کار متعلق به وزارت کشور است و با این کار خرابش کردند. وکیل جرأت نمی کند در مجلس حرف بزند و از فردای خود می ترسد. نظارت استصوابی اصلا با شورای نگهبان همخوانی ندارد

سال و گذشتهای شلوغ است که نگهبان بودیم که با طردن فتوا از خواب که بیدار شدیم و با هم گفتیم که شاید ما عتلا الکر و کرمین و کرمین و کرمین می.

خواند یا نمی

خواند؟ نماز جمعه مگر از روی بخت و گمان و رویه یکم هسلکت حوالوکار بخیر و بر سر می آخواهدت!.

زمانی که ما بودیم، تعیین اینکه کسی برای حضور در خبرگان صلاحیت دارد یا ندارد به عهده مجتهدینی بود که در قم مدرس هستند. برای بسیاری از خبرگان اول امضاهای من بوده است. چند شب قبل به فرزندام می گفتم که اگر می شود به وزارت کشور بگویید اینها را به من بدهند. آقای در خبرگان اول از من خواست که او را توثیق کنم. گفتم اشکالی ندارد؛ می نویسم. گفت شما به شورای نگهبان بگویید من را به عنوان مجتهد معروف بپذیرد. گفتم این کار را نمی کنند. گفت اگر نمی کنند من هم

نمی خواهم این کار را بکنم.

آن وقت این طوری بود و بعد آیین نامه را عوض کردند و گفتند باید در قم باشد و دو نفر از مدرسین تأیید کنند؛ آن هم مدرسینی که خودشان انتخاب می کردند؛ مثلاً حسن آقا را چند نفر تأیید کردند البته فقط در مورد ایشان نیست؛ بلکه این مشکل برای بسیاری از افراد وارسته پیش آمد که باید به خدا پناه برد.

برچسب ها: [میرحسین موسوی](#) [1]

[انقلاب](#) [2]

[رفع حصر](#) [3]

[مهدی کروبی](#) [4]